

تعامل بینامتنی صحیفه سجاده با کلام الله مجید در دعای ختم قرآن



حسین رحمانی زاده^۱، معصومه غنی لو^۲*

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2025.30239.1115

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده

یکی از مهم‌ترین نظریات معناشناسی در دهه‌های گذشته، نظریه «بینامتنی» است که روابط بین متن‌های مختلف و چگونگی ارتباط و تعامل آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و موجب خلق متن جدید می‌شود. طبق این نظریه، هر متنی یک بافت جدید از متون متحول شده است. بر اساس این نظریه، تعامل آیات قرآن کریم و ادعیه صحیفه سجاده قابل تحقیق و بررسی است. انس دائمی امام سجاده (ع) با قرآن و ارتباط و تأثیرپذیری آن حضرت از کلام الله، زمینه تعامل میان متن پنهان (قرآن) و متن حاضر (صحیفه) را فراهم کرده است. از این رو، در موارد زیادی، فهم شایسته ادعیه صحیفه سجاده جز در پرتو شناخت رابطه آن با قرآن امکان‌پذیر نیست. این پژوهش در صدد است روابط بینامتنی دعای ۴۲ صحیفه (که به دعای ختم قرآن مشهور است) با قرآن کریم را مورد پی‌جویی قرار دهد تا افق معنایی جدیدی از این دعا به دست آورد. روش مورد استفاده در این پژوهش، از نوع تحلیلی-توصیفی است. نتایج حاصل از این تحقیق، گویای آن است که بخش عمده روابط بینامتنی صحیفه سجاده با قرآن، از نوع ساختاری و به شکل نفی متوازی است که در آن، امام سجاده (ع) به جهت ارتباط عمیق با قرآن، توانسته‌اند نوعی سازش استوار میان کلام خویش و متن غایب ایجاد و تعاملی آگاهانه با آن خلق کنند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امام سجاده (ع)، صحیفه سجاده، دعای ختم قرآن، بینامتنیت

۱-دانش آموخته دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

hrahmanizadeh@yahoo.com

۲- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران. (نویسنده مسئول) * ghanilou@yahoo.com

۱- مقدمه

نظریه بینامتنیت^۱ که در دهه‌های اخیر در نقد ادبی غرب مورد توجه بود است، نخستین بار توسط ژولیا کریستوا^۲ در اواخر دهه ششم قرن نوزدهم میلادی مطرح شد. این دانشمند با تطبیق نظریات سوسور^۳ و باختین^۴، نخستین تبیین این نظریه را ارائه کرد (ر.ک، گراهام، ۱۳۸۵: ۱۳). ظهور این نظریه نتیجه تلاش‌هایی بود که پیش از آن مکاتبی چون صورت‌گرایی، ساختارگرایی و پساساختارگرایی عرضه کرده بودند. سوسور به ارتباط نشانه‌ها با یکدیگر نظر داشت، اما یکی از معایب نظر وی و دیگر ساختارگرایان این بود که متن را هویتی جدا و بسته در نظر می‌گرفتند و فقط به ساختار درونی آن توجه می‌کردند، در حالی که پساساختارگرایان نظیر باختین و کریستوا هر متنی و قرائتی را وابسته به نشانه‌های پیشین دانسته و معتقد بودند که هر متنی در اقتدار سایر گفتارهاست. در واقع، پساساختارگرایان به جای توجه به ساختار متن‌ها به نحوه شکل‌گیری ساختار آن‌ها معطوف بودند (ر.ک، آلن، ۱۳۸۵: ۱۳).

این رویکرد بر ضرورت وجود رابطه بین متون تأکید دارد. از این رو، هیچ مؤلفی خالق مطلق اثر خویش نیست، بلکه اثرش بازخوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران اوست (ر.ک، مکاریک، ۱۳۸۴: ۷۲). بنابراین خواننده، هیچ متنی را مستقل از تجربه‌هایی که از متون دیگر دارد، نمی‌خواند؛ بلکه او متن را در بافت متون دیگر می‌خواند. بینامتنی متون گذشته را به منزله جذب و دگرگون‌سازی می‌داند و منجر به فهم سازواری از ژرفای آن متن می‌گردد. هم‌چنین، استعدادهای متن‌ها شکوفا می‌شود. از این رو، روابط بینامتنی مفسر را از سطح ظاهری متن به ابعاد پنهان آن هدایت می‌کند (ر.ک، قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۵۱-۴۵۲). بینامتنیت سه رکن اصلی دارد: متن غایب، متن حاضر و روابط بینامتنی. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر را روابط بینامتنی می‌خوانند. بازآفرینی یا پی‌جویی متن غایب در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن به عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنی یاد می‌شود.

الف) نفی جزئی: یعنی متن غایب بدون تغییر و تحول باقی می‌ماند (ر.ک: ناهم، ۲۰۰۴: ۴۳). در این نوع از بینامتنی نویسنده قسمتی از متن غایب را در متن حاضر می‌آورد.
 ب) جذب یا نفی متوازی: یعنی مؤلف نوعی تلفیق و سازش میان متن غایب و حاضر ایجاد و از معنای متن پنهان دفاع کرده است و متن پنهان بر اساس مطالبات عصر نویسنده یا گوینده تجدید

1. Intertextuality
2. Julia Kristeva
3. Ferdinand de Saussure
4. Mikhail Bakhtin



می‌گردد (ر.ک: ناهم، ۲۰۰۴م: ۴۸). در این نوع از روابط بینامتنی متن غایب با متن حاضر در هم می‌آمیزد و به‌صورتی به کار می‌رود که جوهره آن تغییر نمی‌کند.

ج) نفی کلی: این نوع از روابط بالاترین درجه بینامتنیت است که به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد تا بتوان متن پنهان را پی‌جویی کرد. زیرا نویسنده متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند؛ به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد (ر.ک: وعدالله، ۲۰۰۵م: ۳۷).

در تبیین روابط بینامتنی صحیفه سجاده با قرآن کریم، متن قرآن یعنی کلام‌الله، متن غایب و متن ادعیه صحیفه سجاده متن حاضر است و انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، روابط و تعامل بینامتنی را شکل می‌دهد. فراوانی تعامل ادعیه امام سجاده (ع) با آیات قرآن کریم از امتیازات برجسته صحیفه سجاده است که حکایت‌گر انس دائمی آن حضرت با قرآن است. از همین روست که صحیفه سجاده در زبان علما به «اخذ القرآن» مشهور گردیده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ۱۵/۱۸).

در پژوهش حاضر، تعامل بینامتنی قرآن و صحیفه سجاده با تکیه بر دعای ۴۲ صحیفه (دعای ختم قرآن) بر اساس سه معیار یاد شده مورد توجه قرار می‌گیرد. حضرت سجاده (ع) در تمامی ادعیه صحیفه به‌ویژه در دعای ۴۲ به گسترده‌گی از آیات قرآن، مضامین و واژگان قرآنی استفاده کرده‌اند و این مسئله موجب عمق معانی و اثرگذاری کلام آن حضرت شده است.

این تحقیق، ضمن تکیه بر دعای ۴۲ صحیفه سجاده با رویکرد بینامتنی و با روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است. روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده است. به این صورت که در تفسیر و شرح آیات و فرازهای دعای ۴۲ صحیفه سجاده، تفاسیر و شروح مشهور مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

صحیفه سجاده از دیرباز مورد توجه علما و اندیشمندان بوده و تفاسیر، شروح و ترجمه‌های گران‌سنگی بر این کتاب نگاشته شده است. از بررسی آثار موجود درباره صحیفه سجاده، مشخص می‌شود به دلیل ارتباط معنایی و تأثیرپذیری کلام صحیفه سجاده از قرآن، پژوهش‌هایی در زمینه بررسی روابط بینامتنی قرآن و صحیفه نگاشته شده است. از جمله مقالات «بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجاده» تألیف عباس اقبالی و فاطمه حسن‌خانی (۱۳۸۹)، «روابط بینامتنی قرآن با صحیفه سجاده؛ مورد کاوی دعای اول و دوم» اثر کرم سیاوشی و سمیه سلمانیان (۱۳۹۳)، «روابط بینامتنی دعای چهل و چهارم صحیفه سجاده (دعا در آغاز ماه رمضان) با قرآن کریم» اثر بی بی سادات رضی بهابادی، فتحیه فتاحی‌زاده، لیلا مرتاض (۱۳۹۷) «بررسی روابط بینامتنی قرآن با صحیفه سجاده» تألیف ابراهیم فلاح و

عالمه شالیکار (۱۳۹۳)، «تحلیل روابط بینامتنی علم الهی در قرآن کریم و صحیفه سجادیه» از «صالح سعیدی ابواسحقى و همکاران» (۱۳۹۹)، «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه» اثر زهرا محققیان، محمدرضا ستوده نیا (۱۳۹۵)، «بینامتنی توحید در خالقیت بین قرآن کریم و صحیفه سجادیه» تألیف صالح سعیدی ابواسحقى و همکاران، «تجلی قرآن کریم در دعای مکارم اخلاق امام سجاد (ع) با رویکرد بینامتنی» اثر فتحیه فتاحی زاده و عارفه داودی و «مناسبات بینامتنی قرآن و صحیفه سجادیه» تألیف زهرا نیکونژاد و ولی الله حسومی (۱۳۹۴) و نیز پایان نامه های «تجلی قرآن کریم در دعای اول تا هفتم صحیفه سجادیه با رویکرد بینامتنی» نگارش عارفه داودی (۱۳۹۵)، «تجلی قرآن در صحیفه سجادیه (با موضوع نبوت خاصه و امامت) با رویکرد بینامتنی» اثر فاطمه ادایی خضری (۱۳۹۵)، «مستندات قرآنی دعای ۲۴ و ۲۵ صحیفه سجادیه با رویکردی به روابط درون خانواده» اثر مجید پاک طینت (۱۳۹۵) را می توان جزء آثارى دانست که در پیشینه پژوهش این مقاله قابل طرح هستند. با این تفاوت که هر کدام از این مقالات از جهت و منظری خاص به طرح و بحث پیرامون بینامتنیت در قرآن و صحیفه پرداخته اند. این پژوهش ها اغلب رویکرد موضوعی دارند و یا در برخی از دعاهاى خاص صحیفه متمرکز شده اند. از این حیث، مقاله حاضر دارای تفاوت در موضوع و رویکرد است و تلاش دارد که روابط بینامتنی قرآن و دعای ۴۲ صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار می دهد.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

تاریخ و سیره ائمه اطهار (ع) گویای آن است که اهل بیت (ع) انس و ارتباط با عمیق با آیات قرآن داشتند تا جایی که زبان قرآن در قول و فعل ایشان متجلی می گشت. این ظهور و تجلی در ادعیه مأثور نیز وجود دارد. لذا ادعیه مأثور بنا به دلالت های ضمنی و التزامی آشکار، همبستگی عمیقی با قرآن دارند. این ادعیه مأثور به عنوان بخشی از کلام ائمه (ع) می توانند زمینه ای برای فهم و تفسیر قرآن مورد بهره برداری قرار گیرد. به عبارت دیگر، می توان در تفسیر برخی از آیات قرآن از ادعیه مأثور کمک گرفت. به بیان دقیق تر، ادعیه معصومان (ع) بخش مهمی از معارف اسلامی شامل: موضوعات متنوعی از مباحث کلامی و فلسفی گرفته تا موضوعات اخلاقی و اجتماعی را تشکیل می دهد. بسیاری از مضامین ادعیه، ناظر به آیات قرآن و مبین مراد از آیات است و معارف و مضامین عمیقی در آن متجلی است که برخی از آن ها می تواند به فهم و تفسیر آیات کمک کند. به ویژه این که برخی از پیشوایان دینی به سبب شرایط تقیه برای نشر معارف به صورت عادی و صریح با موانعی مواجه بوده اند که ناگزیر این معارف را در قالب ادعیه به اصحاب و شیعیان خود عرضه کرده اند.



بر همین مبنا، برخی از دعاها و مضامین صحیفه سجاده نیز متأثر از قرآن کریم است که با رجوع، بررسی و تحلیل آنها می‌توان به فهم دقیق‌تری از آیات قرآن دست یافت. در این پژوهش با بررسی روابط بینامتنی دعای ۴۲ صحیفه سجاده و قرآن کریم ضمن حصول این مهم از آیات قرآن نیز برای تحلیل مضامین ادعیه بهره گرفته می‌شود.

۲. انواع روابط بینامتنی

۲-۱. بینامتنی واژگانی

در این شیوه اثرپذیری امام سجاده (ع) در کلمه‌ها و ترکیب‌ها، وام‌دار قرآن است، یعنی لغات و ترکیب‌هایی را در کلام خویش می‌آورد که ریشه قرآنی دارند که این اثرپذیری خود به سه شیوه انجام می‌گیرد: الف) وام‌گیری: که ساختار عربی آیه یا حدیث بی‌هیچ تغییر یا با اندک تغییر لفظی و معنوی همراه است. ب) ترجمه: ترجمه‌ی فارسی لغات یا ترکیبات عبارات قرآنی و حدیثی. ج) برآیندسازی: کلمه یا ترکیبی، برآیند و فرآورده‌ای از آیه یا حدیث است (سلطان‌پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۶).

۲-۲. بینامتنی مضمونی

در این نوع رابطه بینامتنی، مؤلف مابیه اصلی سخن خویش را از مفهوم یا نکته‌ای اخذ می‌کند و در پردازش سخن به گونه‌ای عمل می‌کند که خواننده آگاه به متن غایب، پس از خواندن آن پیوند مفهومی و معنوی میان متن غایب و متن حاضر را می‌فهمد (حلبی، ۲۰۰۷: ۲۱). این نوع الهام‌گیری در قرآن گاه از چند آیه یا یک آیه یا بخشی از آن که در آن اشاره آشکار و صریحی به متن غایب نمی‌شود، صورت می‌گیرد.

۲-۳. بینامتنی ساختاری

بینامتنی ساختاری، یکی از انواع روابط بینامتنی است. در این نوع، گوینده یا نویسنده جزئی از متن غایب یا کل آن را در متن خود می‌آورد. این نوع از بینامتنی به دو بینامتنی ساختاری تطابقی و بینامتنی ساختاری غیر تطابقی تقسیم می‌شود (مسبوق و بیات، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

بینامتنی ساختاری تطابقی در این نوع روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از آیه یا کل آن را بدون هیچ تغییری و در همان معنای آیه قرآنی در متن حاضر به کار می‌برد. در بینامتنی ساختار غیرتطابقی نیز مؤلف بخشی از متن آیه قرآنی را با ساختاری تغییر یافته در لایه‌های صرف و نحو، در سخن خود به کار می‌گیرد و بدین وسیله به شکل‌های گوناگون، گاه با افزودن یا کاستن و گاه با تغییر یا تأخیر در ساختار دخل و تصرف می‌کند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۳).

۳. انواع تعامل بینامتنی قرآن و صحیفه سجاده در دعای ختم قرآن

پیوند و انس امام زین العابدین (ع) با قرآن کریم، از برجسته‌ترین جنبه‌های حیات عبادی حضرت به شمار می‌آید؛ ایشان به قرآن کریم که منشأ و اساس دین مبین اسلام است، توجه و دقت خاصی داشته‌اند. درباره انس امام سجاده (ع) با قرآن همین روایت کافی است که فرموده‌اند: «لومات من بین المشرق و المغرب لما استوحشت بعد ان یکون القرآن معی؛ اگر تمام افرادی که بین مشرق و مغرب هستند، بمیرند، چون قرآن با من است، هراس و وحشتی به دل راه نخواهم داد» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۲۰). امام خمینی (ره) هم با همین نگاه درباره صحیفه سجاده می‌فرماید: «صحیفه کامله سجاده، نمونه کامل قرآن صاعد است» (خمینی، ۱۳۷۲: ۲۰۹/۲۱).

نگاهی گذرا به دعاها صحیفه سجاده، مبین آن است که بخش اعظمی از این ادعیه با تأثیر از آیات قرآن بیان شده‌اند. همان‌گونه که امیر مؤمنان علی (ع) در حکمت ۲۶ نهج البلاغه می‌فرمایند: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ؛ هیچ‌کس چیزی را در دل پنهان نمی‌کند، مگر این که در سخنانی که از او صادر می‌شود و در صفحه صورتش، آشکار می‌گردد». لذا، انواع مختلف روابط بینامتنی در دعاها صحیفه سجاده تجلی یافته است. در این بخش، برای نمونه روابط و تعامل بینامتنی دعای ۴۲ صحیفه را که به دعای ختم قرآن مشهور است، با آیات قرآن کریم مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۳-۱. تعامل بینامتنی ساختاری

در بینامتنی ساختاری یا ترکیبی، نویسنده یا گوینده جزئی از متن غایب یا کل آن را در متن خود می‌آورد. این نوع بینامتنی در دعاها صحیفه سجاده و نیز در دعای ختم قرآن به دو صورت به کار رفته است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. تعامل بینامتنی ساختاری نوع اول

در بینامتنی نوع اول متن قرآنی، بدون هیچ تغییری در ساختار آن، مستقیماً در متن حاضر و در همان معنای متن غایب به کار می‌رود. استفاده مستقیم از آیات قرآن بر استحکام کلام حضرت می‌افزاید و تأثیر و عمق معنا را مضاعف می‌کند. در ادامه به برخی از روابط و تعامل بینامتنی در دعای ۴۲ صحیفه پرداخته می‌شود.



■ متن حاضر:

«و ترادف الحشارج اذا بلغت النفوس التراقي، و قيل من راق، و يپایی شدن نفّس‌ها را بر ما آسان بگردان، آن‌گاه که جان‌ها به گلوگاه رسیده و گفته شود: کیست که او را نجات دهد؟»

● متن غایب:

(كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ - وَقِيلَ لَهَا يَلَدِي)؛ (قیامت/ ۲۶ و ۲۷) چنین نیست، او هرگز ایمان نمی‌آورد تا جان به گلوگاهش رسد. و گفته شود: آیا کسی هست که این بیمار را از مرگ نجات دهد؟!

❖ رابطه بینامتنی:

در اینجا حضرت سجاده (ع) مستقیماً از آیه قرآن بهره گرفته است و ضمن ارائه تفسیر آیات ۲۶ و ۲۷ سوره قیامت، تصویری ترسیمی از حالت عزیمت و انتقال آدمی از این عالم به عالم آخرت تصویر کرده‌اند. «حالت فراق و جدایی میان انسان و تمام آنچه به آن علاقه پیدا کرده که جدایی غیرقابل علاجی است» (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۲۴۹/۳)

گرچه در سراسر صحیفه به کرات، شاهد بهره‌گیری مستقیم از آیات قرآن کریم هستیم، اما در دعای ۴۲ این تنها موردی است که عبارت قرآنی به صورت مستقیم و بدون تغییر بیان شده است. لذا نوع رابطه بین متن حاضر و متن غایب نفی جزئی است.

۲-۱-۳. تعامل بینامتنی ساختاری نوع دوم

در نوع دوم بینامتنی ساختاری، نویسنده یا گوینده، بخشی از متن غایب را با ساختاری تغییر یافته در لایه صرفی و نحوی، در کلام خود به کار می‌گیرد و به صورت‌های گوناگون در ساختار آن دخل و تصرف می‌کند. گاه با افزودن و گاهی نیز با کاستن. دمی با تقدیم و دمی با تأخیر (ر.ک؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۸) سر اختلاف ساختاری در متن حاضر، تنوع بیان است. زیرا تکرار متن غایب، در برخی موارد مخّل فصاحت است و در کلام فصیح از تکرار الفاظ خودداری می‌شود. این نوع تعامل بینامتنی موجب می‌گردد کلام گوینده یا نویسنده برای مصداق و دلالتی جدید به کار گرفته شود.

تغییرهای ساختاری قرآن در صحیفه، به دلیل انس حداکثری حضرت سجاده (ع) با قرآن است. یعنی بر اثر مداومت در قرائت و تلاوت، جهد در تدبّر و انس دائمی، زبان قرآن در جان و قلب ایشان جاری شده و شخصیت آن حضرت قرآنی گشته است. اینک این انسان، به مثابه انسان کامل و قرآن ناطق است که در مقام خطابه و دعا با تغییر ساختارهای قرآنی، عبارات قرآنی را در ساختار زبانی خود و قالب کلام خویش بازآفرینی می‌کند.

■ متن حاضر:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنَيْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا؛ بار خدایا تو مرا بر به پایان رساندن تلاوت کتابت که روشن گر راه حیاتش نازل کردی یاری دادی.

● متن غایب:

در آیات متعددی نیز، از قرآن با عنوان «نور» یاد شده است: «قَامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (تغابن / ۸). به خداوند و پیامبرش و نوری که نازل کردیم، ایمان بیاورید و خداوند به آنچه که انجام می‌دهید، آگاه است. «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء / ۱۷۴) نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.

❖ رابطه بینامتنی:

حقیقت قرآن همچون نوری تابناک است که قلوب مؤمنان را روشن می‌سازد؛ امام سجاده (ع) نیز با تأثیر از آیات متعددی از کلام الله، قرآن را همچون نوری معرفی کرده است.

خاصیت نورانی بودن قرآن این است که معارف آن روشن و مصون از ابهام است و هم جوامع بشری را از هرگونه تاریکی اعتقادی و اخلاقی می‌رهاند و به صراط مستقیم می‌رساند. قرآن چون از مبدا نور نازل شده هم در ذات خود روشن است و هم روشن گر دیگر اشیاء است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۳۵۷).

اصطلاح نور در رابطه با قرآن واقعی است که در آیات متعددی از کتاب حق بدان اشاره شده است؛ آری قرآن مجید نور عقل، نور وجدان، نور اخلاق، نور زندگی، نور جامعه، نور دنیا و نور آخرت انسان است. بدون این نور، به دست آوردن زندگی صحیح و حیات طیبه برای احدی امکان‌پذیر نیست. حیات بدون قرآن ظلمت محض و دنیای بدون کتاب حق، تاریکی مطلق و آخرت منهای قرآن، جز سموم و حمیم و تاریکی عذاب‌دهنده چیزی نیست (انصاریان، ۱۳۹۰: ۱۱/۱۲۱).

نوع تعامل بینامتنی در این فراز نفی متوازی است. چرا که متن حاضر نوعی سازش با متن پنهان ایجاد و از معنای آن دفاع کرده است.

■ متن حاضر:

«جَعَلْتَهُ مُهِمًّا عَلَيَّ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ؛ و آن را بر هر کتاب نازل شده از جانب خود گواه و شاهد قرار دادی»

● متن غایب:



«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَهُدًى وَإِلَهُ» (مائده / ۴۸)؛ و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آن‌ها است».

❖ رابطه بینامتنی:

حضرت سجاده (ع) با الهام از آیه ۴۸ سوره مائده صفت مهمیمن قرآن را مورد توجه قرار داده است. «از کلمه‌ی مهمیمن در فرمایش امام استفاده می‌شود که قرآن در عین تصدیق کتاب‌های گذشته، مراقب و نگه‌دارنده آن‌ها نیز می‌باشد؛ قرآن اصول ثابت آن‌ها را از قبیل توحید، معاد و مانند این‌ها را حفظ کرده و مفاهیم تغییر یافته آن‌ها را روشن می‌کند؛ قرآن به وسیله معجزه بودن ثابت و بدون تغییر مانده است. آنچه تصدیق می‌کند، حق است، اگر قرآن نبود، تورات و انجیل یا مورد انکار قرار می‌گرفت یا با همین تغییرات و خرافاتی که دارد به‌عنوان کتاب خدا معرفی می‌شد (قرشی، ۱۳۷۷: ۸۳/۳).

در اینجا هم نوع رابطه بینامتنی از نوع نفی متوازی است. چرا متن پنهان در متن حاضر پذیرفته شده و به‌صورتی به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است.

■ متن حاضر:

«فُوقَانَا فَرْقَتٌ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَحَرَامِكَ؛ و فرقانش کردی که به وسیله آن بین حلال و حرمت جدایی انداختی».

● متن غایب:

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان / ۱)؛ پربرکت است آن (خدایی) که فرقان (قرآنی) را که جداکننده میان حق و باطل است، به تدریج بر بنده خود فرو فرستاد تا همه جهانیان را بیم‌دهنده باشد و «و قرآناً فرقناه لتقراء على الناس علي مكثٍ و نزلنا تنزیلاً» (اسراء / ۱۰۶)

❖ رابطه بینامتنی:

کلمه فرقان هفت بار در قرآن به کار رفته است که در دو مورد آن مقصود قرآن مجید می‌باشد. «فرقان» در اصل، مصدر به معنای فرق گذاردن است ولی در قرآن به معنای اسم فاعلی یعنی فارق و جداکننده به کار رفته و در بسیاری از موارد می‌توان آن را به معنای جدا کننده حق از باطل گرفت (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳-۶۴). امام سجاده (ع) در فراز دوم به این وصف اشاره دارند. امام زین العابدین (ع) فرقان بودن قرآن را در اینجا به معنای تبیین‌کننده حلال و حرام در نظر گرفته‌اند. چرا که «قرآن

بیانگر حلال و حرام است، یعنی درد و درمان با هم و در کنار هم در قرآن آمده است» (قهپایی، ۱۳۷۴: ۵۷۴؛ ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳/۳۱۹).

این آیه مردم را از دخالت در حلال و حرام بازداشته و طبیعتاً تشخیص آن را تنها بر عهده پروردگار و فرستادگانش می‌داند. لذا امام سجاده (ع) هم طبق همین آیه بیان و روشن‌گری شرایع احکام را به خداوند منسوب می‌کند. رابطه بینامتنی در این فراز از نوع نفی متوازی است. چرا که متن پنهان یعنی آیه ۱ سوره فرقان در کلام امام سجاده (ع) بدون تغییر اساسی آمده است.

■ متن حاضر:

«وَكِتَابًا فَصَّلْنَاهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا؛ و کتابی که آن را برای بندگان خود تفصیل و تشریح فرمودی».

• متن غایب:

«كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود/۱)؛ کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است» و «وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۵۲)؛ ما کتابی برای آن‌ها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می‌آورند».

❖ رابطه بینامتنی:

در اینجا هم امام سجاده (ع) همانند بسیاری از فرازهای ادعیه صحیفه سجاده با قلب ضمیر و صیغه عبارت قرآن، مفهوم قرآنی را در کلام خویش متبلور ساخته‌اند. امام (ع) با تأثیر از این آیه در صدد بیان این معنا هستند که «هیچ‌گونه تزلزلی در قرآن نیست.... چرا که کتابی که از سوی حکیم و خبیر صادر شده باشد، قطعاً محکم، استوار، روشن و مفصل خواهد بود» (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳/۳۲۰)، هم‌چنین برخی منظور از تفصیل را بیان جداگانه احکام، امثال و مواعظ و وعد و وعید دانسته‌اند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۵/۴۱۰). در اینجا هم نوع تعامل و رابطه نفی متوازی است.

■ متن حاضر:

«شِفَاءً لِّمَنْ أُتِّصَتْ بِهِمْ التَّصْديقُ إِلَى اسْتِمَاعِهِ»؛ و شفایی قرار دادی برای کسی که از سر تصدیق بدان گوش فرا دارد».

• متن غایب:

«قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى» (فصلت/۴۴)؛ این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده‌اند، هدایت و درمان است ولی کسانی که ایمان نمی‌آورند، در



گوش‌هایشان سنگینی است و گویی نایبنا هستند و آن را نمی‌بینند. آن‌ها (همچون کسانی هستند که گویی) از راه دور صدا زده می‌شوند» و نیز آیه «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف/۲۰۴)؛ و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید».

❖ رابطه بینامتنی:

در فراز مربوطه به یکی از مهم‌ترین اوصاف قرآن یعنی «شفاء» اشاره شده است. قرآن نسخه شفابخش همه دردهای بشری است و تمام بیماری‌های روحی و اجتماعی و اخلاقی را درمان می‌کند و جامعه‌ای سالم و بهینه می‌سازد. لذا امام سجاد(ع) هم بر این ویژگی قرآن تأکید می‌کند. طبق بیان امام سجاد(ع) قرآن شفایی است برای از بین بردن بیماری‌های قلبی نظیر جهل و شک و شرک و نفاق و باورها و عقاید فاسدی که در قلوب آدمی خانه می‌کند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۴۱۳/۵). اما همین قرآنی که شفاست برای ظالمان چیزی جز خسران نخواهد داشت. «وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء/۸۲)؛ و نازل می‌کنیم از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است، ولی ظالمان را جز ضرر و زیان چیزی نمی‌افزاید». امام سجاد(ع)، در تناظر با آیه ۲۰۴ سوره اعراف؛ «انصات» و «استماع» را یکی از مهم‌ترین شروطی دانسته‌اند که زمینه‌ساز بهره‌مندی از شفابخشی قرآن است. انصات به معنی سکوت و استماع به معنی با جان و دل گوش دادن به آیات قرآن است. علامه طباطبایی در مورد انصات می‌گوید: «انصات، سکوت توأم با استماع است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۰۰/۸). امام سجاد(ع) شرط بهره‌وری بهینه از قرآن را انصات، تأمل و اندیشه در آیات نورانی قرآن کریم می‌دانند. «استماع قرآن باید به گونه‌ای باشد که جملات قرآن را شنیده و به تصدیق برسد و... آیات الهی در جان و قلب او بنشیند» (ر.ک: ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳۲۱/۳).

نوع تعامل بینامتنی به دلیل تفاوت افاده معنا در متن پنهان و حاضر از نوع نفی کلی است؛ چرا که در کلام امام سجاد شفاء بودن قرآن برای کسانی مطرح شده است که اهل انصات و استماع باشند، اما در متن غایب یعنی کلام قرآن، شفاء بودن قرآن برای اهل ایمان در نظر گرفته شده است.

■ متن حاضر:

«نُورٌ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ؛ و نور هدایتی که روشنایی برهانش از برابر ناظرین خاموش نگردد».

● متن غایب:

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه/۳۲)؛ نشأت گرفته است: آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند».

❖ رابطه بینامتنی:

امام سجاده (ع) در دو فراز قبلی هم برای توصیف قرآن از واژه «نور» بهره برده است. در اینجا در تفسیر نور ماهیت هدایت بخشی آن را یادآور می‌شود (نور هُدًى). اما این نور چه ویژگی دارد. در فرازهای قبلی به برخی از مؤلفه‌های نور بودن قرآن اشاره شد. اما در فراز به‌خصوص امام سجاده (ع) جاودانگی این نور را با استفاده از آیه ۲۳ سوره توبه مورد تأکید قرار می‌دهد. آنجا که کافران به خیال خام خود فکر می‌کنند، می‌توانند در برابر اراده خداوند صف‌آرایی کرده و نور الهی را خاموش کنند. امام سجاده (ع) هم با تأثیرپذیری از این آیه نور هدایت الهی یعنی قرآن را غیرقابل اطفاء توصیف می‌کند. «یعنی نوری است که در هر زمان و هر مکان، حالت آن ثابت است و هرگز خاموش شدنی نیست، زیرا مطابق با فطرت اصیل انسانی است که در هیچ زمان و مکانی دگرگونی و ناهماهنگی نمی‌پذیرد» (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳/۳۲۳). در این فراز، نوع تعامل بینامتنی، نفی متوازی است، چرا که نوعی سازش میان متن حاضر و متن پنهان قابل ملاحظه است.

۲-۳. تعامل بینامتنی واژگانی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در تعامل بینامتنی واژگانی، اثرپذیری امام سجاده (ع) در کلمه‌ها و ترکیب‌ها، وام‌دار قرآن است، یعنی لغات و ترکیب‌هایی را در کلام خویش می‌آورد که ریشه قرآنی دارند.

■ متن حاضر:

«إِذَا بَلَغَتِ النَّفُّوسُ التَّرَاقِي * وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ؛ وقتی که جان‌ها به گلو رسند و گفته شود: کیست که او را نجات دهد؟

● متن غایب:

«كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِي * وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ» (قیامت/۲۶ و ۲۷)؛ چنین نیست (که انسان می‌پندارد) آن‌گاه که (در آستانه مرگ) جان به گلوگاه رسد و گفته شود: چه کسی شفا دهنده است؟

❖ رابطه بینامتنی:

در اینجا تراقی جمع ترقه و به معنای استخوان‌های احاطه‌کننده حفره گلو در سمت راست و چپ است که نفس یا روح آدمی هنگام مرگ از آنجا به بالا می‌رود تا این‌که از حفره نای خارج شود (مدنی شیرازی،



۱۴۰۹: ۴۷/۵). در چنین شرایطی، کسان محترض و یا ملائکه گویند: کیست افسون کننده و شفا دهنده و یا کیست بالابرنده‌ی روح این انسان؟ آیا ملائکه‌ی عذاب روح او را بالا می‌برند یا ملائکه‌ی رحمت؟ (قهپایی، ۱۳۷۴ش: ۵۸۶).

مقایسه بیان امام سجاده (ع) در این فراز و آیه ۲۷ سوره قیامت نشان می‌دهد که رابطه بینامتنی در اینجا از نوع نفی جزئی است.

■ متن حاضر:

«فَضَّلْتُهُ عَلَى كُلِّ خَلِيْفٍ قَصَصْتُهُ؛ و کتابی است که بر هر سخنی که برخوانده‌ای برتری دادی».

■ متن غایب:

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» (زمر/ ۲۳): خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش [در لطف و زیبایی و عمق و محتوا] همانند یکدیگر است».

❖ رابطه بینامتنی:

یکی از صفات قرآن حدیث است و این به‌خاطر مضمون‌های تازه و ابتکاری قرآن و نیز تازگی اسلوب و شیوه بیان قرآن است که میان عرب‌ها سابقه نداشت که این وصف نیز در فراز اول دعای ۴۲ مورد توجه امام سجاده (ع) بوده است. امام سجاده (ع) در این فراز، نکته‌ای فراتر از این مضمون را با استفاده از آیه ۲۳ سوره زمر بیان می‌فرماید و آن این که قرآن به‌عنوان کتابی که از سوی خود خداوند نازل شده است، بر دیگر سخنان و کلام خداوند برتری دارد. هم‌چنین گفته شده است که احسن القصص بودن قرآن بدان جهت است که در قرآن نهایت و اوج بلاغت و زیبایی و حلاوت معانی و باهماهنگی کامل در مقاطع و فواصل است (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۴۰۹/۵). آیه مذکور سخن از احسن بودن کلام قرآن دارد و امام سجاده (ع) از افضل و برتر بودن کلام‌الله سخن گفته است و در هر دو مقصود از حدیث، قرآن است؛ لذا می‌توان گفت که در اینجا رابطه بینامتنی از نوع نفی متوازی است.

■ متن حاضر:

«وَحَيْثُ أُنْزِلَتْهُ عَلَى نَبِيٍّ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَتَنَزَّلُ؛ و وحی ای که بر پیامبرت محمد - که درود تو بر او و آتش باد - فرو فرستادی».

■ متن غایب:

«إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»؛ (نجم/ ۴) «(آنچه می‌گوید) چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست» و «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» (انسان/ ۲۳)؛ مسلماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم.

❖ رابطه بینامتنی:

در این قسمت امام سجاده (ع) با استفاده از آن دسته آیات که به مسئله وحی و نزول قرآن اشاره کرده‌اند، مجدداً منشأ وحیانی و آسمانی قرآن و نیز بری بودن از اشتباه و خطا در آن را مورد تأکید قرار می‌دهد (رک: ممدوحی کرمانشاهی، ۳/ ۳۲۰).

در اینجا نیز به دلیل به کارگیری واژه‌های «وحی» و «تنزیلاً» در دعای ختم قرآن، می‌توان گفت که رابطه بینامتنی از نوع نفی متوازی است.

■ متن حاضر:

«مِيزَانٌ قَسِطٌ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ؛ وَ تَرَاوِي قَسَطِي كَهَ زَبَانِهِ اش از حق نگردد».

● متن غایب:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ» (شوری/ ۱۷)؛ خدا همان کسی است که کتاب و وسیله سنجش را به حق فرود آورد و تو چه می‌دانی شاید رستاخیز نزدیک باش».

❖ رابطه بینامتنی:

خداوند قرآن را میزان حق و قسط معرفی می‌کند. میزان، به معنی وسیله‌ی وزن کردن و سنجش است (فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین، ۷/ ۳۸۶) اگر به قرآن میزان گفته می‌شود به این دلیل است که قرآن برای سنجش حق از باطل بوده و معیاری برای تشخیص حقایق و عامل موثری برای هدایت است. هم‌چنین وجود «میزان» چه در کل جهان هستی و چه در جامعه انسانی و روابط اجتماعی، همه از نعمت‌های گران‌بهای خداوند است (مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۳۹۲). امام سجاده (ع) با این بیان از طریق ارتباط نفی جزئی، میزان بودن قرآن را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۳-۳. تعامل بینامتنی مضمونی

امام سجاده (ع) در بخشی از فرازهای دعای ۴۲ صحیفه از آیات قرآنی الهام گرفته است و پس از دریافت مضمون، مفهوم آن را با الفاظ و تعبیر خود بیان می‌کند. این اثرپذیری در تعامل بینامتنی مضمونی، گاه چنان نزدیک و آشکار است که سخن را ترجمه‌ای آزاد از متن غایب نشان می‌دهد و گاه چنان دور که پذیرش متن غایب را دشوار می‌سازد.



■ متن حاضر:

«فَوَإِنَّا أَعْرَبْتُ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ؛ وَ قَرَأَنِي كَيْفَ يَبْدَأُ شَرَائِعَ أَحْكَامِ خُودِ نَمُودِي».

■ متن غایب:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِثْقَالًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (مائده/۴۸)؛ و ما این (قرآن عظیم) را به حق بر تو فرستادیم که تصدیق به درستی و راستی همه کتب که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی می‌دهد. پس حکم کن میان آن‌ها به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهش‌های ایشان حکم حقی که بر تو آمده و مگذار، ما برای هر قومی از شما شریعت و طریقه‌ای مقرر داشتیم، و اگر خدا می‌خواست همه شما را یک امت می‌گردانید، و لیکن (این نکرد) تا شما را به احکامی که در کتاب خود به شما فرستاد، بیازماید. پس به کارهای نیک سبقت گیرید، که بازگشت همه شما به سوی خداست و در آنچه اختلاف می‌نمایید، شما را به (حقیقت) آن آگاه خواهد ساخت».

❖ رابطه بینامتنی:

این بیان از امام سجاد(ع) که قرآن را بیانگر احکام و شریعت الهی عنوان کرده است، در آیه ۴۸ سوره مائده مورد تأکید است. اولاً آیه خطاب به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید که مطابق با آنچه بر تو نازل شده است، میان مردم حکم کن و ثانیاً بیان می‌دارد که برای هر قومی شریعت و احکامی خاص در نظر گرفته شده است و قرآن منبع اصلی این شریعت و احکام است. از سویی علاوه بر آیه مورد اشاره به شریعت اسلام، می‌توان تمامی آیات الاحکام را که به گفته برخی از محققان تا ۵۰۰ آیه را شامل می‌شود (ایروانی، ۱۴۰۳: ۱/۱۹)، متن غایب برای این فراز در نظر گرفت. رابطه بینامتنی در این فراز از نوع نفی متوازی است.

■ متن حاضر:

«جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ؛ وَ أَنْ نَوْرِي سَاخْتِي كَيْفَ دَر پُرتو پیروی از آن از ظلمات گمراهی و جهالت به عرصه هدایت راه یابیم».

● متن غایب:

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده/۱۶)؛ خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آن‌ها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید و در آیه‌ای دیگر هدف از نزول قرآن را چنین بیان می‌کند: «كِتَابٌ أُنزِلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم/۱)؛ این کتابی است که به سوی تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی ببری».

❖ رابطه بینامتنی:

گفته شد که یکی از اوصاف و اسامی قرآن «نور» است. «نور فقط همان چیزی نیست که با دیدگان می‌توان درک کرد، بلکه تمام آن‌چه به وسیله آن هر نوع ظلمت و تاریکی مانند جهل و گمراهی زدوده می‌شود، نوری است که دیدگان قلب را روشن می‌کند» (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۳/۳۱۶). امام سجاد(ع) با در نظر گرفتن این مضامین در آیات مطرح شده، قرآن را نوری دانسته‌اند که ما را از ظلمات گمراهی و جهل می‌رهاند. رابطه بینامتنی در این فراز از نوع نفی متوازی است. چرا که امام سجاد(ع) متن پنهان را بازآفرینی کامل کرده‌اند.

■ متن حاضر:

«عَلِمَ نَجَاةٌ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ، وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعِزَّةِ عِصْمَتِهِ؛ وَ بِرَجْمِ نَجَاتِي كَهَرِ كَسِّ آهَنْكِ آيِنِ اسْتَوَارِ آن كُند، گمراه نشود، و پنجه‌های مهالک به کسی که به دستگیره عصمتش در آویزد، نرسد». «وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْصِمُ بِحَبْلِهِ؛ وَ مَا رَا مِنْ كَسَانِي قَرَارِده که به ریسمان محکم قرآن چنگ می‌زنند» (فراز هفتم).

● متن غایب:

این وصفی که برای قرآن بیان شده، ناظر به آیه ۱۰۱ سوره آل عمران است: «وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُثَلَّى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران/۱۰۱)؛ و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با این‌که (در دامان وحی قرار گرفته‌اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابراین، به خدا تمسک جوید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است. هم‌چنین خداوند در سوره آل عمران به بندگان خود چنین می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳)؛ همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید.



❖ رابطه بینامتنی:

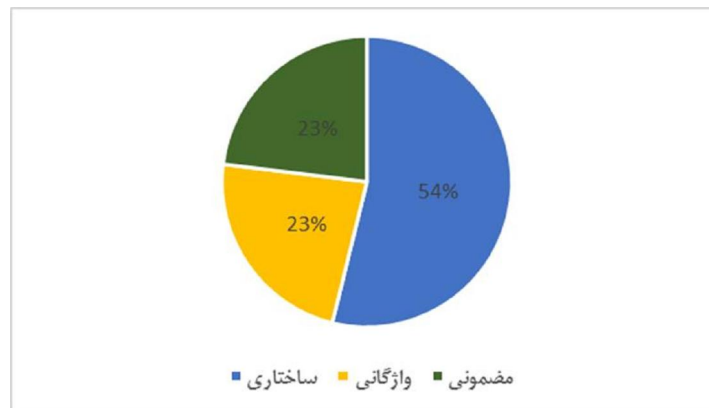
در روایات معصومین(ع) قرآن ریسمان و جبل الهی معرفی شده است که از عرش به زمین آمده و آدمیان با تمسک و اعتصام به این ریسمان می‌توانند خود را به اعلی درجه قرب الی الله برسانند. البته در بعضی روایات جبل الله در این آیه به دین اسلام، پیامبر(ص) و عترت پیامبر(ص) تفسیر شده است؛ ولی هیچ‌کدام با یکدیگر اختلاف ندارند، زیرا منظور از «ریسمان الهی» هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر و اهل بیت اوجمع است و این منافاتی با تفسیر اولی ندارد و به عبارت دیگر، تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع «ارتباط با خدا» که از معنی «جَبَلِ اللَّهِ» استفاده می‌شود، و می‌توان گفت هم قرآن و هم اهل بیت جبل الله هستند (مکارم شیرازی، ناصر و همکاران: ۱۳۷۴: ۲۹/۳). حضرت زین العابدین(ع) ضمن ایجاد تعامل معنایی با این دو آیه تنها راه نجات از مهلکه‌های زندگی را اعتصام و تمسک به قرآن معرفی می‌کند. رابطه بینامتنی در این فراز از نوع نفی متوازی است.

نتیجه‌گیری

۱- انس و تعامل معصومین(ع) با قرآن کریم موجب گردید تا زبان قرآن در بیان ایشان تجلی یابد. امام سجاد(ع) نیز که همواره با آیات قرآن مأنوس بودند، در دعا‌های صحیفه سجاده از آیات قرآن کریم تأثیر پذیرفته‌اند که چنین امری حاکی از ضرورت پی‌جویی نوع تعامل و بررسی روابط بینامتنی دعا‌های صحیفه و قرآن است.

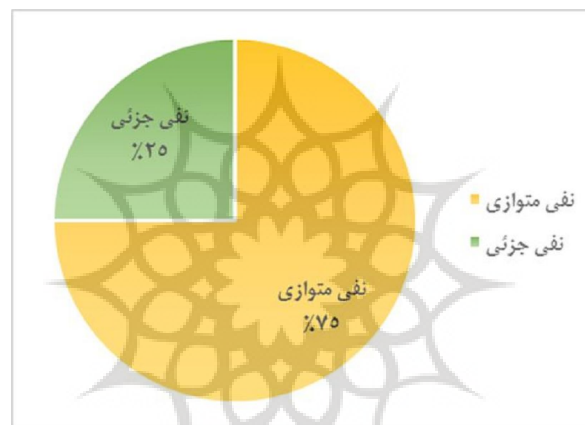
۲- توجه به ارتباط بینامتنی صحیفه و قرآن، ضمن کشف الگوی تعامل با آیات قرآن در بیان آن حضرت، در تفسیر آیات قرآن نیز راه‌گشا خواهد بود؛ چرا که دعا‌های صحیفه سجاده تفسیر دقیق و عمیقی از آیات قرآن است.

۳- روابط و تعامل بینامتنی دعای ۴۲ با قرآن به سه صورت ساختاری، واژگانی و مضمونی است. حضرت امام سجاد(ع) به‌خوبی میان کلام خود و متن قرآن سازش محکم و استواری ایجاد و از متن قرآن دفاع کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از مجموع ۱۳ فراز بررسی شده، ۷ مورد رابطه بینامتنی ساختاری، ۳ مورد رابطه بینامتنی واژگانی و ۳ مورد نیز رابطه بینامتنی مضمونی در دعای ۴۲ صحیفه سجاده قابل پی‌جویی است.



نمودار شماره ۱۵: انواع تعامل بینامتنی قرآن و دعای ۴۲ صحیفه سجادیه

هم چنین در این بررسی ۹ مورد از قواعد بینامتنی از نوع نفی متوازی، ۳ مورد نفی جزئی است.



نمودار شماره ۲۰: انواع قواعد سه گانه بینامتنی قرآن و دعای ۴۲ صحیفه سجادیه

بنابراین می توان نتیجه گرفت، بیشترین نوع رابطه بینامتنی قرآن و دعای ختم قرآن در صحیفه سجادیه از نوع ساختاری و بر پایه قاعده نفی متوازی است.

۴- نتیجه نهایی آن که چنین تعاملی با آیات قرآن، ارائه تفسیر و تبیین قرآن و تعلیم مفاهیم قرآنی است که امام سجاده (ع) در قالب دعا برای مسلمانان و چه بسا همه انسان ها به یادگار گذاشته اند. هم چنین، این الگو را به ما آموخته اند تا در اثر مداومت در قرائت و تلاوت و نیز جد و جهد در تدبر و عمل به آیات قرآن، شخصیت ما و تبع آن زبان ما قرآنی شود و در نتیجه، تکلم و خطابه های ما نیز رنگ و بوی قرآنی پیدا کند.



فهرست منابع:

- قرآن کریم. (۱۳۸۹). ترجمه علی اکبر مشکینی. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی.
- علی بن ابی طالب. (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. ترجمه و شرح فیض الإسلام، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.
- علی بن الحسین (ع). (۱۳۹۴). *صحیفه سجادیه*. ترجمه فاطمه احمدی. تهران: اسوه.
- آقابزرگ تهرانی، محمدحسین. (۱۴۰۳ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
- آلن، گراهام. (۱۳۸۵). *بینامتنیت*. ترجمه: پیام یزدان جو. تهران: نشر مرکز.
- ادایی خضری، فاطمه. (۱۳۹۵). پایان نامه «تجلی قرآن در صحیفه سجادیه (با موضوع نبوت خاصه و امامت) با رویکرد بینامتنی». دانشگاه الزهراء (س). دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- اقبالی، عباس و فاطمه حسن خانی. (۱۳۸۹). «بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجادیه»، «فصل نامه ادبیات دینی». دوره اول و شماره ۱. ۴۳-۳۱.
- انصاریان، حسین. (۱۳۷۸). *دیار عاشقان*. تهران: پیام آزادی.
- ایروانی، باقر. (۱۴۲۳ق). *دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الاحکام*، قم: دار الفقه.
- پاک طینت، مجید. (۱۳۹۵). پایان نامه «مستندات قرآنی دعای ۲۴ و ۲۵ صحیفه سجادیه با رویکردی به روابط درون خانواده». دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده علوم قرآنی خوی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *قرآن در قرآن*. قم: اسراء.
- خمینی، سیدروح الله الموسوی. (۱۳۷۲). *صحیفه امام خمینی (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داودی، عارفه. (۱۳۹۵). «تجلی قرآن کریم در دعای اول تا هفتم صحیفه سجادیه با رویکرد بینامتنی». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء (س).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داودی. دمشق بیروت: دارالعلم - الدار الشامیه.
- رضی بهابادی، بی بی سادات و فتحیه فتاحی زاده و لیلا مرتاض. (۱۳۹۷). *روابط بینامتنی دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه (دعا در آغاز ماه رمضان) با قرآن کریم*. فصل نامه سراج منیر. سال ۹. شماره ۳۳. صص ۳۷-۶۳.
- سلطان پور، عباس و علی دهقان و حمیدرضا فرضی (۱۳۹۹). بررسی بینامتنیت قرآنی در مقامات حمیدی. ماه نامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال سیزدهم. شماره یازدهم. صص: ۹۱-۱۱۲.
- سعیدی ابواسحق، صالح و سعید عباسی نیا و هادی رزاقی. (۱۳۹۹). *تحلیل روابط بینامتنی علم الهی در قرآن کریم و صحیفه سجادیه*. فصل نامه پژوهش های زبان شناختی قرآن. سال ۹. شماره ۱. صص ۱۱۹-۱۳۶.
- سیاوشی، کرم و سمیه سلمانیان. (۱۳۹۳). *روابط بینامتنی قرآن با صحیفه سجاده: مورد کاوی دعای اول و دوم*. همایش ملی بینامتنیت (التناص). صص ۱۲۴۷-۱۲۷۷.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۵). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف: المكتبة الحیدریة.

- عباس زاده، حمید. (۱۳۸۹). «**اقتباس قرآن در نهج البلاغه**». «مطالعات تفسیری». سال اول. شماره اول. ۶۷-۸۳.
- قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۳). **بیولوژی نص**. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷). **أحسن الحديث**. تهران: بنیاد بعثت.
- قهپایی، بدیع الزمان (۱۳۷۴ش). **ریاض العابدین فی شرح صحیفه مولانا و مولی المؤمنین علی بن الحسین سلام الله علیه و علی آبائه الطاهیرین**. به کوشش: حسین درگاهی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). **کتاب العین**. قم: نشر هجرت.
- فلاح، ابراهیم و عالمه شالیکار (۱۳۹۳). **بررسی روابط بینامتنی قرآن با صحیفه سجادیه**. همایش ملی بینامتنیت (التناص). صص ۱۷-۳۲.
- محققیان، زهرا، محمدرضا ستوده نیا. (۱۳۹۵). **بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه**. فصل نامه پژوهش های زبان شناختی قرآن. سال ۵. شماره ۱. صص ۲۱-۳۶.
- مدنی شیرازی، سیدعلی خان ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین. قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- مسبوق، سیدمهدی. (۱۳۹۲). «**روابط بینامتنی قرآن و خطبه های نهج البلاغه**». «فصل نامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث». دوره ۱۰ و شماره ۲. ۲۰۵-۲۲۴.
- مسبوق، مهدی، بیات، حسین. (۱۳۹۲). «**بینامتنی قرآنی در اشعار احمد شرقی**». نشریه نقد ادب معاصر عربی، یزد، سال ۲، شماره ۲، صص ۲۲۴-۲۰۵.
- مکارم شیرازی و دیگران. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۴). **دانش نامه نظریه های ادبی معاصر**. ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: نشر آگه.
- ممدوحی کرمانشاهی، حسن. (۱۳۸۸). **شهود و شناخت**. قم: بوستان کتاب.
- ناهم. احمد (۲۰۰۴). **التناص فی شعر الزوادی**. بغداد: دارالشئون الثقافیه العامه.
- نیکونژاد، زهرا و ولی الله حسومی. (۱۳۹۴). «**مناسبات بینامتنی قرآن و صحیفه سجادیه**». همایش بین المللی امام سجاد (ع). جلد ۲ صص ۵۷۸-۶۰۱.
- وعدالله، لیدیا. (۲۰۰۵). **التناص فی شعر عزالدین المناصره**. عمان: دار مجد لاوی للنشر و التوزیع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

